

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۰، پیاپی ۱۴۰، تابستان ۱۴۰۰ / صفحات ۹۲-۷۱
مقاله علمی - پژوهشی

آشنایی ایرانیان با جایگاه زن در جامعه آمریکایی از رهگذر مطبوعات و مدارس میسیونری در دوره قاجاریه^۱

فرشته جهانی^۲
علیرضا ملایی توانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

چکیده

ضرورت تحول در جایگاه اجتماعی و فردی زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین شروط رهایی از عقب‌ماندگی و پیمودن مسیر تجدد، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه روشنفکران عصر قاجاریه به‌ویژه بعد از مشروطه داشت. این روشنفکران تلاش داشتند از طریق ابزارهای مختلف از جمله نشریات به بررسی و معرفی جایگاه زن آمریکایی بپردازند. نگارندگان پژوهش حاضر درصددند با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطبوعات و مدارس میسیونری این دوره، روند آگاهی و شناخت ایرانیان از جایگاه زن آمریکایی و آثار و نتایج آن را مورد بررسی قرار دهند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مطبوعات این دوره که راز عقب‌ماندگی زنان ایرانی را در بی‌بهرگی از آموزش می‌دانستند، ضمن توصیف موقعیت اجتماعی زنان به‌ویژه زنان آمریکایی، بر لزوم آموزش زنان ایرانی و تغییر وضعیت آنها نیز تأکید ورزیدند. در نتیجه، روند تحصیل دختران ایرانی در مدارس آمریکایی که پیشتر آغاز شده بود، ادامه پیدا کرد و تا آنجا پیش رفت که حتی ادامه تحصیل در آمریکا نیز مورد توجه قرار گرفت و نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا به تسهیل زمینه‌های این امر یاری رساندند. در نتیجه، تعدادی از دختران ایرانی عازم آن کشور شدند.

واژه‌های کلیدی: زن آمریکایی، زن ایرانی، قاجاریه، مدارس میسیونری، مطبوعات

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2021.35204.2437

۲. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
fereshtejahani65@gmail.com

۳. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران ar.mollaiy@ihsc.ac.ir

- مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه» دانشگاه پیام‌نور تهران در سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

مقدمه

توجه به مسئله زنان در گفتمان روشنفکری ایران عصر قاجاریه، به ویژه دوره مشروطه جایگاه بسیار مهمی داشت. در این دوره، طیف‌های مختلف روشنفکری در پاسخ به چگونگی برون‌رفت ایران از عقب‌ماندگی تاریخی خود، رویکردهای متعددی داشتند. نکته مشترک در بسیاری از این دیدگاه‌ها الگو قرار دادن غرب و همچنین ضرورت تحول در وضعیت زنان ایرانی با نگاه به زیست فردی و اجتماعی زنان غربی بود. روشنفکران متأثر از این ایده که تحول و ترقی امری دراز مدت، تاریخی و نیازمند تربیت نسلی دگراندیش است، زنان و مادران را مسئول تربیت و آموزش این نسل می‌دانستند. آنها بر این باور بودند که با وجود زنانی که غرق در جهل و خرافات‌اند و از آموزش و سواد بهره‌ای ندارند، نمی‌توان به شکل‌گیری تغییرات اساسی در راستای اندیشه تجدید امیدوار بود. روشنفکران که اندیشه‌هایشان در نشریات دوره قاجاریه تجلی می‌یافت، با تأکید بر خانواده به عنوان نهادی اجتماعی که حافظ ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای ملی یک جامعه و کشور است، بر این باور بودند که با وجود منفعل بودن نیمی از جمعیت کشور - یعنی زنان - نمی‌توان انتظار داشت که ایران از عقب‌ماندگی تاریخی خود رها شود و امیدوار باشد که بتواند روزی مانند دول اروپایی متمدن شود. بنابراین از منظر تحصیل کرده‌ها و غرب‌گرایان و به تبع آن نشریات عصر قاجاریه، شکل‌گیری و تربیت زن و مادر جدید ایرانی که مجهز به علم، دانش و آگاهی برای تدبیر منزل و تربیت فرزندان باشد، در کنار برچیده شدن عقاید سنتی علیه زنان، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های دستیابی به تجدید و ترقی بوده است. روشنفکران در راستای صورت‌بندی اندیشه خود، وضعیت زنان غربی از جمله زنان آمریکایی را مد نظر قرار داده بودند و می‌کوشیدند از طریق مقالات متعدد تصویری از زن متجدد آمریکایی که هم از تحصیلات برخوردار بود و هم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت داشت، ارائه دهند. آنها در ادامه از طریق این تصویر بازنمایی شده در نشریات، وضعیت آسف بار زنان ایرانی در جهان سنت را به چالش کشیدند و ضمن آنکه انتظار نداشتند زن ایرانی مانند زنان آمریکایی فعالیت سیاسی داشته باشد، یا به رده‌های بالای مدیریتی دست یابد، تربیت نسلی از زنان تحصیل کرده و مادران متجدد را خواستار بودند و بر لزوم تغییر جایگاه زنان ایرانی تأکید می‌کردند. از طرف دیگر، مدارس آمریکایی همچون حلقه ارتباطی میان ایرانیان و فرهنگ آمریکایی عمل می‌کردند. این مدارس نقشی تأثیرگذار بر دختران و زنان ایرانی بر جای گذاشتند و یکی از عواملی بودند که موجب آگاهی و اطلاع آنان از حقوق خود شدند. از جمله دلایل نگاه ویژه نگارندگان نوشته حاضر بر زنان آمریکا، یکی آنکه در آستانه انقلاب مشروطه و بعد از آن آمریکا در عرصه‌های سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی تحولات سریع و شگفت‌انگیزی را پشت سر گذاشته بود و برخلاف کشورهای اروپایی در بسیاری از حوزه‌ها همچون نظام آموزشی، حقوق زنان، اختراعات زنان و غیره به دستاوردهای سریع و دور از انتظاری رسیده بود؛ به طوری که حتی کشورهای اروپایی با ستایش و تحسین از این تحولات یاد می‌کردند. همچنین این کشور برخلاف برخی از کشورهای اروپایی سابقه استعماری نداشت و به علت فاصله زیادی که با ایران داشت، نمی‌توانست مطامع استعماری خود را در ایران پیاده کند؛ به همین دلیل در ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر نگاه خاصی نسبت به این کشور وجود داشت و تحولات آن کشور به دقت در مطبوعات و محافل روشنفکری دنبال می‌شد. این عوامل موجب شد که آمریکا به کشور مناسبی برای اخذ الگوهای تجدد و تمدن در حوزه‌های مختلف از جمله زنان برای ایران تبدیل شود. بر همین اساس، جایگاه زنان آمریکایی نقل محافل ایرانی شد و به این نتیجه رسیدند که درباره حقوق زنان و حوزه‌های اجتماعی می‌بایست از این کشور الگو گرفت (روزنامه کاوه، ۱۳۳۹ق: شماره ۱۲، صص ۱، ۲).^۱

این پژوهش نتیجه کاوش در مطبوعات و اسناد آرشیوی دوره قاجاریه است. البته باید اشاره کرد که با نزدیک شدن به دوره مشروطه، نشریات به اهمیت جایگاه زن آمریکایی پی بردند و این موضوع را مورد توجه قرار دادند. نخستین بار نشریه «اختر» در سال ۱۳۱۱ق. به بررسی جایگاه زنان در ایران و مقایسه آن با جایگاه زنان در آمریکا پرداخت و پس از آن نشریات «جبل‌المتین»، «ناصری» (۱۳۱۶ق)، «حکمت» (۱۳۱۷ق)، «ثریا» (۱۳۱۸ق)، «اطلاع» (۱۳۲۲ق)، «مظفری» (۱۳۲۳ق)، «ایران نو» (۱۳۲۸ق)، «مجلس» (۱۳۲۹ق)، «چهره‌نما» (۱۳۳۰ق)، «کاوه» (۱۳۳۸ق) و غیره به این موضوع پرداختند. همچنین اسناد منتشر نشده آرشیو وزارت خارجه بخش مهم دیگری از منابع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند که حاوی اطلاعات مفید و ارزنده‌ای در این حوزه می‌باشند.

دلیل عدم پرداختن به نشریات زنان در این نوشتار، این است که در مقطع زمانی مورد بررسی، نشریات کمی در حوزه زنان منتشر می‌شد که با توجه به شرایط زمانی ایران آن دوره، به جایگاه سیاسی و اجتماعی زن آمریکایی در نوشته‌های خود توجه خاصی نداشتند. تقریباً در دهه اول حکومت پهلوی بود که نشریاتی چون «عالم نسوان»، «پیک سعادت نسوان» و «نسوان وطن‌خواه» در راستای توجه به ضرورت مشارکت سیاسی زنان، اشتغال زنان بیرون از خانه،

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: داریوش رحمانیان و فرشته جهانی (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه و نتایج آن (با تکیه بر مطبوعات دوره قاجار)»، مجله جستارهای تاریخی، دوره ۱۱، شماره ۱ (پیاپی ۱)، صص ۱-۴۸.

ورود زنان به سطوح مدیریتی و غیره به وضعیت زنان در کشورهای غربی از جمله آمریکا توجه کردند.

مقاله حاضر به لحاظ زمانی از اواسط دوره ناصری تا اواخر دوره قاجاریه را در برمی گیرد و به لحاظ مکانی به آمریکا و ایران پرداخته است. ارزیابی محتوای مطبوعات نشان می دهد که طی یک فرایند مستمر، هرچه به دوره مشروطه نزدیک تر می شویم، مطبوعات توجه بیشتری به این موضوع می کنند. پس از مشروطه نیز این بحث ها تداوم یافت. اهمیت موضوع در این است که علاوه بر این حقیقت که مناسبات ایران و آمریکا در دوره قاجاریه به درستی بررسی نشده، بلکه در هیچ پژوهشی نیز به چالش مسئله زن در ایران عصر قاجاریه از طریق انعکاس سیمای زن آمریکایی پرداخته نشده است. البته به طور کلی درباره زنان و مطالبات اجتماعی و فرهنگی آنها در دوره قاجاریه مقالات متعددی نوشته شده است که از مهم ترین آنها می توان به «از خلوت خانه تا عرصه اجتماع؛ رویارویی زنان با دوگانگی طبیعت و فرهنگ» و «حقوق شهروندی در عریضه های زنان عصر مشروطه» نوشته سیمین فصیحی، «زن و تحول امر روزمره با تکیه بر نشریات زنان عصر قاجار» نوشته سهیلا ترابی فارسانی، «بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار» نوشته محسن بهشتی سرشت و محسن پرویش و همچنین «حقوق شهروندی زنان در ایران عهد قاجار» نوشته هادی نوری اشاره کرد. بر همین اساس، نگارندگان پژوهش حاضر در تلاش بوده اند نشان دهند که آگاهی و شناخت ایرانیان از جایگاه زن آمریکایی، از چه طریق و چگونه حاصل شد و این شناخت چه تأثیری بر موقعیت زن ایرانی گذاشت؟

مدارس آمریکایی و تحول در جایگاه زنان ایرانی دوره قاجاریه

ده ها سال پیش از آنکه مطبوعات قاجاریه افکار عمومی را در جریان تحولات زنان در آمریکا قرار دهند، میسیونرهای آمریکایی با فعالیت های آموزشی خود تا اندازه ای شماری از زنان ایرانی را نسبت به حق و حقوق خود آگاه کردند. در این زمان در پی افزایش آگاهی های اجتماعی و برخی عوامل دیگر، بسیاری از خانواده های ایرانی ضرورت آموزش زنان را دریافته بودند. از این رو، تعدادی از این خانواده ها دختران خود را در مدارس آمریکایی ثبت نام کردند. البته در این دوره مدارس فرانسوی، انگلیسی و غیره نیز در ایران فعال بودند و مدارس میسیونری بدان سبب که انگیزه ای برای آموزش زنان در دوران پیش از مشروطیت فراهم کرده بودند، شایان اهمیت بودند. مدارس میسیونری آمریکایی افزون بر آموزش مذهبی، به ارائه آموزش مهارت های گوناگون بهداشتی و خانه داری می پرداختند؛ در حالی که مکتب خانه های

سنتی چنین کاری نمی‌کردند (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۵۷). همچنین از اشاره‌ای که به مواد درسی مدارس آنها و به‌ویژه دروس تاریخ، جغرافیا، حساب و علم اخلاق شده است، می‌توان دریافت که آمریکایی‌ها چگونه شاگردانشان را با تاریخ، اجتماع و جغرافیای قاره آمریکا آشنا می‌کردند و برای نخستین بار تصویری دقیق از موقعیت جغرافیایی، تاریخ، نظام فرهنگی و اجتماعی آن کشور به آنان ارائه می‌دادند (ساکما، ۱۵۹۷/۲۹۷)^۱ با توجه به مطلب بالا می‌توان دریافت که هدف آنها در ایران درباره آموزش زنان، چیزی بیشتر از تربیت یک زن خانه‌دار و یک مادر نمونه بوده است. در واقع، هدف آنها آموزش زن ایرانی در قالب آموزش نوین آمریکایی بود.

تفاوت مدارس آمریکایی با دیگر مدارس داخلی و خارجی در ایران را باید از اشاره ستاره فرمانفرمائی‌ان درک کرد که در مدارس آمریکایی تحصیل کرده بود. او نوشته است: «مادرم رفتار و جر و بحث‌های من در خانه را نتیجه آموزش‌های آمریکایی‌ها می‌دانست و معتقد بود که آنها بیش از فرانسوی‌ها و بیش از ظرفیت بچه‌های ایرانی و به‌ویژه من به دانش‌آموزان آزادی می‌دهند». او در ادامه افزوده است: «مادرم قانع شده بود که تغییر رفتار من که احتمالاً باعث می‌شود تا آخر عمر بدون شوهر بمانم، نتیجه تحصیل در مدرسه تازه است... ما در مدرسه از آزادی کامل برخوردار بودیم» (فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۷۷: ۸۵). این اشارات فرمانفرمائی‌ان به خوبی تفاوت مدارس آمریکایی با دیگر مدارس خارجی را نشان می‌دهد.

مدارس آمریکایی که در سال ۱۸۳۵م/۱۲۵۰ق. تنها در ارومیه برقرار بود، به تدریج در تبریز، تهران، همدان و چند جای دیگر نیز تأسیس شد. برای نمونه، با ورود «مونت گمری» به همدان در سال ۱۸۸۲م/۱۲۹۹ق، آموزشگاهی برای دختران در این شهر برپا شد. در سال نخست ۴۱ دانش‌آموز در این آموزشگاه پذیرفته شدند که دختران مسلمان نیز در میان آنها بودند. در واقع، خدمات فرهنگی میسیون‌های آمریکایی به گونه‌ای بود که تا سال ۱۹۰۷م/۱۳۲۴ق. تنها در همدان ۲۴ نفر از دختران موفق به گرفتن دیپلم شده بودند (الدر، ۱۳۳۳: ۴۷، ۴۸). در سال ۱۸۸۶م/۱۳۰۳ق. مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران نیز شروع به کار کرد که واقعه مهمی بود. پس از یکی دو سال عده‌ای از دختران خانواده‌های سرشناس نیز در آن ثبت نام کردند. ناصرالدین شاه ضمن دیدار از مدرسه وعده داده بود سالانه ۱۰۰ تومان به آن کمک کند (بهنام، ۱۳۷۵: ۴۹، ۵۰)^۲.

در آستانه انقلاب مشروطه، آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی زنان که یکی از دلایل آن تأثیر

۱. درباره پروگرام مدرسه عالی آمریکایی تهران ر.ک. به: (ساکما، ۱۵۹۷/۲۹۷)

۲. مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۳م/۱۳۲۰ق. فرمانی مبنی بر عدم حضور دختران خانواده‌های مسلمان در مدارس میسیونری صادر کرد، اما این فرمان تنها ده روز اجرا شد (رامتین، ۱۳۴۱: ۳۴، ۳۵).

فعالیت مدارس میسیونری بود، به درجه قابل توجهی رسید؛ تا آنجا که در این مقطع زنان به حمایت از مشروطه در روزنامه‌ها مقالاتی می‌نوشتند و مخفیانه انجمن‌هایی تشکیل می‌دادند تا از طریق آن بتوانند حقوق خود را مطالبه کنند (اتحادیه، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۴). بعد از مشروطه نیز این آگاهی‌ها به درجه‌ای رسیده بود که مورد تمجید مورگان شوستر آمریکایی قرار گرفت (روزنامه چهره‌نما، ۱۳۳۰ق: شماره ۵، ص ۱۲)؛ که این امر نشان دهنده تحول در جایگاه زنان ایران است.

بازتاب وضعیت زنان در مطبوعات دوره قاجاریه

میسیونری‌ها با ایجاد مدارس دخترانه و ترویج نظام آموزشی آمریکایی، برای نخستین بار تا حدودی ایرانیان را از جایگاه زنان آمریکا آگاه ساختند، اما بدون شک آنچه در بُعدی فراگیر و وسیع وضعیت زنان آمریکا و دستاوردها و جایگاه والای آنان را به ایرانیان معرفی کرد، نگاه متجددانه مطبوعات این دوره به آن کشور بود. در واقع، آگاهان و روشنفکران دوران قاجاریه که در جست‌وجوی راهی برای برون‌رفت زنان ایرانی از انزوا و تبعیض بودند، بازتاب موقعیت زنان غربی را به عنوان ابزاری برای آشنایی عموم مردم با جایگاه زن غربی و تغییر در موقعیت و جایگاه زنان ایرانی قرار دادند. البته این بحث‌ها خیلی دیر و تنها از اواخر دوره ناصری در فضای مطبوعاتی ایران در گرفت. به احتمال زیاد، آغازگر این بحث روزنامه اختر بود که در سال ۱۳۱۱ق. نخستین مطلب را در نقد وضعیت زنان ایرانی نوشت (روزنامه اختر، ۱۳۱۱ق: شماره ۱۶). از آن پس، مطبوعات و محافل روشنفکری ایران موقعیت زن ایرانی را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. آنها بر این عقیده بودند که تا موقعیت زنان متحول نشود، ایران نخواهد توانست قدم در راه ملل متمدن بگذارد. آنها یکی از دلایل پیشرفت غرب را ارتقای جایگاه زنان به‌ویژه در حوزه‌های علمی و سیاسی می‌دانستند و معتقد بودند تعصبات جاهلی آزادی زنان ایرانی را محدود کرده و در نتیجه این تعصبات است که به قول سید حسن تقی‌زاده زن ایرانی به حدی پست می‌شود که موقعیتش تنها از کنیز زرخرید و دواب بارکش اندکی بهتر است. همو معتقد بود که اگر در حوزه زنان در ایران اصلاحاتی انجام نشود، ایران در رقابت با دیگر ملل دنیا عقب خواهند ماند. او به خوبی می‌دانست که اروپا و آمریکا (۱۳۳۹ق/م ۱۹۲۰) به زنان حق رأی داده‌اند و در مجلس ملی زن و مرد در کنار یکدیگر می‌نشینند. او هشدار می‌داد که اگر ایران همچنان روند فعلی را ادامه دهد، دو‌یست سال دیگر به پای اروپا و آمریکا نمی‌رسد (روزنامه کاوه، ۱۳۳۹ق: شماره ۱۲، صص ۱، ۲). به تعبیر دیگر، نیمی از جمعیت هر ملتی را زنان تشکیل می‌دهند و در چنین شرایطی هیچ طرح و برنامه ملی به موفقیت نخواهد

رسید؛ مگر آنکه زنان نیز در آن مشارکت کنند (کتابچه قانون، ۱۳۶۹: شماره ۷، ص ۳).
حبل‌المتین معتقد بود بدون تربیت زنان و اعطای آزادی و حقوق انسانی به آنان غیرممکن است یک مملکت مسلمان بتواند مانند ممالک فرنگ پیشرفت کند و حتی پس از صدها سال نمی‌تواند در شمار برخی ملل مسیحی شرق همچون ارمنی و گرجی قرار گیرد. این روزنامه راه برون‌رفت از این معضل را تأسیس مدارس ابتدایی برای دختران می‌دانست (حبل‌المتین، ۱۳۲۷ق: شماره ۱۵، صص ۲، ۳). مجله ایرانشهر نیز در بحث از رنج و بدبختی زنان ایرانی تأکید می‌کرد: «با آنان معاملاتی از جنس برخورد با اسرای قرون وسطی» می‌شود (مجله ایرانشهر، ۱۳۴۱ق: شماره ۱۲، ص ۳۷۰). وضعیت زنان ایرانی دوره فاجاریه را می‌توان از واکنش میرزا رضاخان ارفع‌الدوله به سؤال خبرنگار نیویورک‌تایمز درباره جایگاه زن ایرانی دریافت که در پاسخ گفته بود: «خیال کردم عجب مأموریت بدیست، وضع زنان ایران را چگونه شرح دهم، اگر راستش را بگویم شرم‌آور، اگر دروغ بگویم این قدر اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در باب بدبختی زن‌های ایران نوشته‌اند که همه مرا دروغگو خواهند نامید و باور هم نخواهند کرد» (ارفع‌الدوله، ۱۳۷۸: ۴۶۴).

به هر ترتیب، مطبوعات در تحلیل ریشه‌های وضعیت نامطلوب زنان ایرانی دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. برخی از آنها بر این باور بودند که خود زنان مسئول این وضعیت فلاکت‌بارند و استدلال می‌کردند «یکی از موفقیت‌های زنان آمریکا و ممالک متمدن این بوده که در علوم و صنایع خود را با مردان شریک نموده‌اند، خود را به زیور علم آراسته‌اند اما زنان ایران راه موهومات و خرافات پیموده و با بی‌علمی از شأن و شرف خود کاسته‌اند» (ثریا، ۱۳۱۸ق: شماره ۳۷، ص ۱۱). بیشتر مردم عقیده داشتند چون زنان نمی‌توانند به مقام روحانیت برسند، پس هر اقدامی که برای تربیت آنها صورت گیرد، رنجی بی‌ثمر خواهد بود (الدر، ۱۳۳۳: ۱۲، ۱۳). چنین نگرشی نشان دهنده شرایط حاکم و نگاه به زنان بود. مصداقی از این نگرش را باید در اشاره «جان‌الدر» به یک زن ارومیه‌ای مشاهده کرد که در پاسخ به این سؤال که آیا سواد خواندن و نوشتن دارد، گفته بود «نه خیر، من که زن هستم چگونه انتظار دارید بخوانم؟» (همان، ۶-۸). چندان نبایست از پاسخ این زن تعجب کرد؛ زیرا در آن زمان حتی خندیدن هم برای زن ایرانی مذموم بود. خنده زنان چنان پدیده عجیبی بود که ابراهیم صحاف‌باشی در بحث از زنان آمریکایی نوشته است: «... در نهایت آزادی یک نفر زن بی‌نهایت بلند خنده نمود دیگران هم همراهی نمودند، کسی نبود بگوید ضعیفه شرم کن چقدر می‌خندی!» (صحاف‌باشی، ۱۳۵۷: ۸۱). درواقع، خندیدن برای زنان ایرانی عیب شمرده می‌شد و اساس تربیت دختران سکوت، کم‌حرفی و تمکین از بزرگ‌ترها بود (اتحادیه، ۱۳۹۲: ۳۹).

برخلاف کسانی که زنان را مسئول وضعیت آسف بار خود معرفی می‌کردند، گروهی دیگر این وضعیت را نتیجه فرهنگ مردسالار و ظلمی که به آنان شده بود، می‌دانستند. مجله «علم و تربیت» مردان را عامل این وضعیت ایجاد شده برای زنان ایرانی معرفی کرده و نوشته بود: «... مردان به خوبی دریافته‌اند که خود علت فساد حال زنان خویشانند و گرنه شعور و توانایی زنان هم مانند مردان قابل ترقی و پرورش است و محروم داشتن آنها از وسایل ترقی و تعالی غیرمنصفانه است» (مجله علم و تربیت، ۱۳۳۹ق: شماره ۱، صص ۲۲، ۲۳).

گفتنی است برخورداری زنان ایرانی از آموزش و تعلیم با دشواری‌های زیادی مواجه بود. یکی از این دشواری‌ها خانواده‌ها بودند و حتی اگر شرایط تحصیل هم برای دختران مهیا می‌شد، آن را عیب می‌دانستند (خاطرات تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۱۲). علاوه بر مخالفت خانواده‌ها، باید به مخالفت روحانیون نیز اشاره کرد. روحانیون در واکنش به تأسیس مدرسه دخترانه‌ای توسط «بی‌بی خانم» در سال ۱۳۲۴ق. چنین فتوا دادند که: «تأسیس مدارس دختران، مخالف با شرع اسلام است» و سید علی شوشتری ضمن صدور تکفیرنامه‌ای، علیه تأسیس مدرسه دخترانه نوشته بود: «وای به حال مملکتی که در آن مدرسه دخترانه تأسیس شود» (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۵۹۸، ۵۹۹). مخالفان مدارس چنین اعتقاد داشتند که این مدارس را بیگانگان دایر می‌کنند تا باعث بی‌عفتی در جامعه شوند؛ به همین دلیل بعضی از مردم، معلمان و دخترانی را که به مدرسه می‌رفتند، بی‌عفت می‌خواندند (دل‌ریش، ۱۳۷۵: ۱۳۸؛ ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۵۹۸، ۵۹۹). این مخالفت با تحصیل دختران حتی در آستانه مشروطیت هم ادامه داشت. باید به این نکته توجه کرد که با وجود تأکیدهای فراوان روشنفکران ایرانی بر تحول جایگاه زنان و مسئله آموزش آنان، به هیچ‌وجه این انتظار وجود نداشت که زنان ایرانی در جایگاه همتایان غربی خود قرار گیرند و تا مدت‌ها هدف از آموزش و تعلیم زن ایرانی صرفاً آماده ساختن آنان برای رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزند بود. اشاره صریح به این ادعا را می‌توان از مطلبی به قلم یکی از نویسندگان «روزنامه مجلس» در سال ۱۳۲۹ق. مشاهده کرد که نوشته است: «من عرض می‌کنم که وظیفه ما تدارک دخترانی است که زن خانه، مادر اولاد و یک زوجه بشوند که هم سعادت عائله را تأسیس و هم احتیاجات کشوری را با پرورش نوباوگان و از کار آزمایی آنان مرتفع نمایند...» (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹ق: شماره ۱۴، ص ۲). بنابراین باید اذعان کرد که جامعه ایرانی و نظام مردسالار و حتی روشنفکران آن هنوز به لحاظ فکری آماده پذیرش تحول اساسی در جایگاه زن ایرانی نبودند و فقط مایل بودند زنان وظایف سابق خود، یعنی بچه‌داری و خانه‌داری را آگاهانه به انجام برسانند.

نگاه مطبوعات به جایگاه زنان آمریکا

در برخی مطبوعات دوره قاجاریه از پیشرفت‌های خیره‌کننده زنان در آمریکا ستایش و تمجید می‌شد و آنان را بلندمرتبه‌ترین زنان جهان قلمداد می‌کردند. برای نمونه، روزنامه حبل‌المتین نوشته بود در هیچ مملکتی همچون آمریکا اشتغال زنان به کسب و کار و صنعت پیشرفت نکرده است؛ به گونه‌ای که اشتغال زنان از مردان به مراتب بیشتر است و هر روز نیز بیشتر می‌شود. در همین مورد روزنامه‌های حبل‌المتین و اختر اشاره کرده بودند که زنان ۶۵٪ از معلمان آمریکا را تشکیل می‌دهند. (حبل‌المتین، ۱۳۱۹ق: ش ۱۶، ص ۷؛ روزنامه اختر، ۱۳۱۱ق: شماره ۱۶، ص ۶۱۳۷). روزنامه ناصری در تأیید و اثبات این ادعا، به ارائه آمار و ارقام درباره زنان شاغل در آمریکا پرداخت و نوشت در سال ۱۳۱۶ق. ۵۳ معمار، ۱۵۳۴۰ نقاش، ۳۱۶۶۶ کاتب و دارنده امتیاز روزنامه، ۳۱۷ دندان‌ساز، ۲۱۰۰ مهندس، ۱۴۳۹ خبرنگار، ۴۷۵ وکیل، ۴۳۳۹ موزیسین، ۶۸۸۶ طبیب، ۹۴۳ مدیر تماشاخانه، ۴۳۰۷۰ دوشیزه کاغذ فروش، ۹۲۸۲۴ محرره و کاتب و ۵۰۶۳۲ کارگر در چاپخانه مشغول به کار بوده‌اند. درحالی‌که ۱۷ سال قبل، یعنی در سال ۱۸۸۰م/۱۲۷۹ق. در تمامی چاپخانه‌های آمریکا تنها هفت دختر کار می‌کردند (روزنامه ناصری، ۱۳۱۶ق: شماره ۷، ص ۷). علاوه بر مشاغل فوق، زنان آمریکا در ارتش آن کشور نیز حضور داشتند و هنگام جنگ آمریکا و اسپانیا تعداد بسیار زیادی از آنان خواهان شرکت در جنگ بودند. بعضی از آنان به عنوان «یوزباشی‌گری» در جنگ شرکت کردند. بخشی در خدمات نیروی دریایی (بحریه) مشغول شدند، برخی هم با خواندن شعر و آواز سربازان را در جنگ و جدال تشویق می‌کردند و در نهایت، گروهی نیز اقدام به جمع‌آوری کمک برای این جنگ کرده بودند (روزنامه ناصری، ۱۳۱۶ق: شماره ۱۶، صص ۶، ۷).

روزنامه مظفری با اشاره به تأثیر استقلال و آزادی عمل به دست آمده برای زنان آمریکا، به جنبه دیگری از کارهای زنان آن کشور پرداخت که از جمله آنها سیاحت و جهانگردی بود. این روزنامه نوشته بود بعضی از زنان غربی به‌ویژه آمریکا مثل مردان به سیر و سیاحت علاقمندند؛ به طوری که برخی از آنان بارها به دور عالم سفر کرده و به کشورهای مختلف رفته‌اند. در این باره باید به سیاح نامدار آمریکایی «مادام مسترووله» اشاره کرد که ۲۶ بار دور دنیا را سفر کرد. او هفت بار از دریای اطلس و ۱۲ بار از اهرام‌های مصر دیدن کرد (روزنامه مظفری، ۱۳۲۳ق: شماره ۸، ص ۷). همان‌گونه که گفته شد، نشریات این دوره جنبه‌های مختلف موفقیت‌های زنان آمریکایی را بازتاب دادند و حتی به دستاوردهای آنان در عرصه اختراعات هم اشاره کرده و نوشته بودند ابتکارات زنان آمریکا امر تازه‌ای نیست؛ زیرا آنان قبل از سال ۱۸۶۰م/۱۲۷۶ق. و با وجود برخی محدودیت‌ها ده یا دوازده اختراع به ثبت رسانده‌اند؛

برای نمونه «ماری کیس» در سال ۱۸۰۵م/۱۲۱۹ق. دستگاهی برای بافتن حریر و پنبه به وجود آورد؛ «ماری برش» در سال ۱۸۱۵م/ ۱۲۳۰ق. یک نوع «کورست» تولید کرد که حدود ۲۶ سال بی‌رقیب بود؛ مخترع دیگری در سال ۱۸۱۹م/۱۲۳۴ق. مواد مخصوصی برای نگاهداری الوان و رنگ‌ها تولید کرد؛ در سال ۱۸۴۹م/۱۲۶۵ق. «ماری ودور» صندلی متحرک با بادبزنی معلق تولید کرد؛ در سال ۱۸۵۷م/۱۲۷۳ق. «سوسان تیلر» خودنویس بی‌نظیری ساخت. پس از سال ۱۸۶۰م/۱۲۷۶ق. بازار اختراعات زنان متحول شد. یکی از زنان ماشینی برای دروی گندم ساخت؛ دیگری اسبابی برای کوبیدن کاه درست کرد. علاوه بر اینها زنان آمریکایی آلاتی برای تمیز کردن معادن و ترن‌های راه‌آهن، داروهای مختلفی به منظور تقویت و رویش مو، دستگاه سیگارسازی، اثاث و آلات مربوط به موسیقی و کتابت و زراعت و غیره اختراع و تولید کردند (بهار، ۱۳۲۸ق: شماره ۲، صص ۱۱۰، ۱۱۱). اواخر قرن نوزدهم زنان آمریکایی در کشتی‌رانی نیز به رقابت با مردان برخاستند؛ چنان‌که «مادام توماس فوت» نخستین ناخدای زن آمریکایی در امتحاناتی که پشت سر گذاشته بود، به سؤالات بسیار دشوار درباره علوم ریاضی، جغرافی، ستاره‌شناسی و غیره پاسخ‌های صحیح داده بود (ایران نو، ۱۳۲۸ق: شماره ۱۳۲، ص ۴). همچنین زنان آمریکایی به مناصب و موقعیت‌های مهم گمارده می‌شدند. برای نمونه، روزنامه اختر در سال ۱۳۱۱ق. از انتصاب یک زن به ریاست دایره بلدیة شهر «پلی‌سنتون» خبر داده بود (روزنامه اختر، ۱۳۱۱ق: شماره ۴۰، ص ۶۵۲۲) و پس از جنگ اسپانیا و آمریکا «روزا» یکی از زنان آمریکایی که در مدارس نظامی آموزش دیده بود، به کمک مربیان نظامی به دختران تعالیم نظامی آموزش می‌داد که این گروه از دختران متشکل از ۸۲۰ سرباز و ۱۸۰ صاحب‌منصب بودند (حکمت، ۱۳۱۷ق، شماره ۱۳، ص ۱۴). از این رو، زنان آن کشور در علوم سیاسی، اقتصادی، پزشکی و فنی هم‌تراز مردان شده و درست به مانند آنان موفق به دریافت گواهی‌نامه‌ها و مدارک عالی شده و بدین وسیله توانسته بودند مقامات و مناصب بزرگی را اشغال کنند.

به‌طور کلی، اشتغال زنان به برخی از این شغل‌ها برای ایرانیان جای حیرت داشت. برای مثال، در سال ۱۸۸۹م/۱۳۰۶ق. مردم تهران از دیدن پزشکی به نام «ماری سمیف آمریکایی» به حیرت افتادند و همه از یکدیگر می‌پرسیدند چطور ممکن است یک زن دارای معلومات پزشکی باشد؟ (الدر، ۱۳۳۳: ۴۲). علاوه بر مردم عادی، حتی دولتمردان قاجار نیز با حیرت به این مسئله می‌نگریستند. در همین باره مهدیقلی‌خان هدایت که به همراه میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان به آمریکا رفته بود، از دیدن یک خبرنگار زن آمریکایی دچار حیرت شد و نوشت: «... در کمال پرویی پی‌جویی حال ما را دارد تا کیستیم از کجا می‌آییم به کجا می‌رویم چه

بودیم چه هستیم دنباله سؤال را رها نمی‌کرد. حتی در سر سفره حاضر بود و بر احوال ما ناظر مسلسل چیزی می‌نگاشت و در کیسه می‌گذاشت» (هدایت، [بی‌تا]: ۱۴۸). البته باید اشاره کرد که در این دوره حضور زنان غربی در ایران نیز به عنوان یکی دیگر از مسیرهای آشنایی ایرانیان با زنان غرب و آمریکا تأثیرگذار بود؛ زنانی که بنا به دلایلی از جمله همراه شدن با همسران سیاستمدار خود یا به واسطه تجارت و جهانگردی به ایران می‌آمدند. یکی از این زنان «مری شیل» همسر «جاستین شیل» سفیر انگلستان در اوایل دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه بود که در بسیاری از سفرها به نقاط مختلف ایران، همسرش را همراهی می‌کرد و حتی مطالبی در کتاب خاطرات خود در مورد زنان ایران نوشته است (شیل، ۱۳۶۸: ۹۰-۹۳). همچنین یکی از زنان اروپایی معروف به «مادام کارلا سرنا» که جهانگرد نیز بود، در دوره ناصرالدین‌شاه به ایران آمد و سفرنامه‌ای هم نوشت (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۹۲-۲۹۹). این حضور زنان غربی در جامعه ایران، خواه ناخواه باعث می‌شد از طرف ایرانیان مورد توجه قرار گیرند.

ناگفته پیداست که انتشار این حجم از اخبار و وقایع مربوط به زنان آمریکایی در مطبوعات عصر قاجاریه که واژه به واژه آن برای ایرانیان جای حیرت داشت و بدون شک زنان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد، تأثیرات انکارناپذیر خود را بر اذهان و نگرش جامعه ایران بر جای می‌گذاشت.

راز موفقیت زنان آمریکایی از منظر ایرانیان

با توجه به آنچه که در مورد زنان آمریکا گفته شد، باید اذعان کرد که سرعت تحول در موقعیت آنان مایه حیرت همگان و به‌ویژه ایرانیان بود. از این رو، مطبوعات به تجزیه و تحلیل پیشرفت‌های آنان و راز و رمز این ترقی‌های سریع پرداختند. در این راستا به علل گوناگونی اشاره شد که مهم‌ترین آنها توجه به آموزش زنان، ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان آمریکایی، و سیاست‌گذاری‌های تشویقی بود. برای مثال، روزنامه چهره‌نما جایگاه برتر و منحصر به فرد زنان آمریکایی را نتیجه برخورداری آنان از آموزش و تحصیل دانست و یادآور می‌شد که آمریکایی‌ها در اختصاص بودجه و مخارج به مدارس دخترانه هیچ تبعیضی روا نمی‌داشتند (روزنامه چهره‌نما، ۱۳۳۲ق: شماره ۱۱، صص ۷-۹).

مجله بهار درباره علت موفقیت زنان آمریکایی در عرصه اختراعات نوشته بود در نتیجه سیاست‌های تشویقی حکومت آمریکا در توجه به تحصیل زنان و بها دادن به آنها بود که زنان آن کشور در عرصه علمی درخشیدند و دست به اختراع آلات و وسائل مهمی زدند (مجله بهار، ۱۳۲۸ق: شماره ۲، صص ۱۱۰، ۱۱۱). حسینقلی‌خان نخستین سفیر ایران در آمریکا نیز بر

ایجاد فرصت‌های برابر و عدم تبعیض میان زنان و مردان این کشور به عنوان راز موفقیت زنان آمریکایی تأکید می‌کرد (استادوخ، شماره ۱۳-۱۶).

مجله علم و تربیت جایگاه والای زنان آمریکایی را نتیجه مبارزات آنان می‌دانست و در اثبات این ادعا به سخنان «مادام جمیرز سیلی» دکترای فلسفه در دانشگاه بیروت استناد کرده و نوشته بود: «برای زنان آمریکا تا نیم قرن قبل تنها دو نوع مدرسه دخترانه وجود داشت. یک نوع از این دو مدرسه بر این مبنا شکل گرفته بود که زن باید خانه‌داری یاد بگیرد و ازدواج کند. در این نوع مدارس تا اندازه‌ای از زبان فرانسه، موسیقی، ادبیات، اصول فعالیت و لیاقت و آداب لطف و ظرافت آموزش داده می‌شد و در همان حال تا مدتی هم آداب دلربایی به وی می‌آموختند و بدین ترتیب هدف اصلی آنان توانا ساختن زنان برای جذب شوهر بود. مدرسه نوع دوم برای زنان و دخترانی بود که از نعمت زیبایی و توانایی مالی بهره‌ای نداشتند. در این نوع مدارس فنون تعلیم و شغل تدریس می‌شد. هدف این نوع مدارس کمک به زنان برای نائل گشتن به یک زندگی شرافتمندانه بود. بسیاری از زنان آمریکا از این اوضاع ناراضی بودند و خواهان شرایط بهتری بودند. آنان قیام کرده و اعلام کردند که در ذکاوت و ادراک از مردان کم ندارند. در نتیجه مجاهدات آنان دولت شرایط بهتری برایشان مهیا ساخت به طوری که آنان توانستند تا اواخر قرن نوزدهم از مزایای مدارس پسرانه برخوردار گردند» (مجله علم و تربیت، ۱۳۳۹ق: شماره ۲، صص ۱-۳). این گفته‌ها از چند بُعد قابل توجه است. نخست آنکه آنان از همان زمان تلاش می‌کردند از طریق آموزش دلربایی، زنانگی زنان را که طی اعصار و دوره‌های مختلف دچار رکود شده بود، تقویت کنند. سؤالی که به میان می‌آید این است که آیا مدارس میسیونری آمریکایی‌ها در ایران که متأثر از اسلوب آموزشی آمریکا بودند، در جریان آموزش زنان ایرانی، این نقطه‌نظرات را مد نظر قرار می‌دادند؟ علاوه بر این، بخش دوم اظهارات مادام سیلی نشان می‌دهد که آموزش زنان در آمریکا کارکردهای مختلف داشت و در کنار آموزش دلربایی و غیره، تلاش می‌شد بخشی از زنان برای اشتغال آماده شوند.

یکی از مهم‌ترین تحولات مربوط به زنان آمریکا مبارزات آنان بود که به برخورداری آنان از حق رأی در انتخابات انجامید. روزنامه اطلاع در سال ۱۳۲۲ق. گزارش مفصلی درباره سیر مبارزات زنان در آمریکا ارائه داد که به خوبی گویای تحول در مبارزات آنهاست. این روزنامه به‌ویژه به کنفرانس‌هایی که زنان آزادی‌خواه برگزار کرده بودند، پرداخت. نخستین کنفرانس در واشنگتن و در سال ۱۸۸۸م/۱۳۰۵ق. برگزار شد. کنفرانس دوم در شهر شیکاگو در سال ۱۸۹۳م/۱۳۱۰ق، کنفرانس سوم در لندن در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۶ق. و کنفرانس چهارم در برلین پایتخت آلمان برگزار شد. در کنفرانس اخیر شش هزار «زن عالی‌ه عقیده فاضله کامله» از ممالک

و نقاط مختلف جهان گرد هم آمده بودند. در ۵۰ جلسه بیش از دویست سخنرانی صورت گرفت که تمام این نطق‌ها مربوط به وضعیت اجتماعی زنان و حقوق لازمه آنان بود (روزنامه اطلاع، ۱۳۲۲ق: شماره ۱۴، ص ۴). نتایج این مبارزات در نخستین سال‌های قرن بیستم در شکل اعطای حق رأی به زنان به‌ویژه در آمریکا تجلی یافت. در پی همین تلاش‌ها و مبارزات خستگی‌ناپذیر بود که اعطای حق رأی به زنان آمریکا محقق شد (استادوخ، شماره ۱۵۶). مطبوعات قاجاریه با بازتاب تحولات جایگاه زنان در آمریکا تلاش داشتند با آگاهی‌بخشی به زنان جامعه ایران زمینه‌های تغییر را فراهم کنند. این اقدامات بستر لازم را برای گسترش آموزش زنان که از سال‌ها قبل و در دوره ناصری با تأسیس مدارس میسیونری آمریکایی آغاز شده بود، فراهم کرد.

گرایش به ادامه تحصیل در آمریکا

بحث و گفت‌وگو درباره ضرورت تحول در وضعیت زن ایرانی در مطبوعات، همراه با توصیف و ستایش جایگاه هم‌تایان آنان در غرب به‌ویژه آمریکا از جمله عواملی بود که زمینه‌های بهبود در وضعیت زنان در ایران را فراهم آورد. طولی نکشید که نگاه اجتماعی به زن ایرانی تغییر کرد و زمینه حضور بیش از پیش آنها در جامعه فراهم آمد. یکی از مهم‌ترین نتایج این تغییر نگاه‌ها، به آموزش و تحصیل دختران چه در داخل و چه خارج از ایران و به عبارت روشن‌تر در کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا بود.

در داخل کشور گرایش به مدارس آمریکایی بیشتر شده بود و خانواده‌ها دخترانشان را برای تحصیل به این مدارس فرستادند که تا مدت‌ها صرفاً اقلیت‌های مسیحی ایران را آموزش می‌دادند و کودکان مسلمان در این مدارس حضور قابل توجهی نداشتند. در سال ۱۳۱۵/م ۱۸۹۸ق. «ساموئل جردن» برای اداره مدرسه آمریکایی به تهران اعزام شد و سه سال بعد از ورود وی، مدرسه آمریکایی مقطع متوسطه راه‌اندازی شد. مدارس میسیونری در آغاز بیشتر به آموزش مسیحیان توجه داشتند، اما به سبب رشد آگاهی ایرانیان و علاقه‌مندی آنها، طولی نکشید که بیشتر محصلان آموزشگاه را دختران مسلمان تشکیل می‌دادند (الدر، ۱۳۳۳: ۳۷-۴۱).

در آستانه انقلاب مشروطه و در سال ۱۳۲۲/م ۱۹۰۵ق، ۱۴۵ دختر در مدرسه آمریکایی در تهران تحصیل می‌کردند و در سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰/م ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۸ق. تعداد زیادی از دختران ایرانی و مسلمان از این مدارس مجهز و مدرن فارغ‌التحصیل شدند (رامتین، ۱۳۴۱: ۳۴، ۳۵). در همین سال مجله کاوه نوشته بود یکی از مسرت‌بخش‌ترین اخباری که در روزنامه‌های

اخیر ایران دیده می‌شود، خبری درباره ترقی مدارس دختران در تهران در ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ است. در این تاریخ مدارس زنان تهران برای اولین بار جشن باشکوهی ترتیب داده‌اند که بیش از پانصد خانم ایرانی و خارجی همراه با مدیران و معلمان مدارس زنان و دختران دانش‌آموز دارای تصدیق‌نامه در آن حضور داشته‌اند. «در آن مجلس چندین خانم نطق‌های مفصلی کرده و اظهار داشته‌اند که در حال حاضر ۵۸ واحد مدارس دخترانه در تهران وجود دارد که در آنها ۳۲۲۶ نفر دختر درس می‌خوانند و بر این عده متجاوز از هزار دختر دیگر را هم باید افزود که در مدارس ابتدایی دولتی مشغول تحصیل هستند» (روزنامه کاهو، ۱۳۳۸ق: شماره ۴ و ۵، ص ۲۷). چنین وضعیتی به تدریج باعث شد نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی میسیون آمریکا نگاه مثبتی پیدا شود و مورد توجه ایرانیان قرار گیرد.

در نتیجه ده‌ها سال فعالیت میسیون آمریکا در ایران و به‌ویژه میان اقلیت‌های مسیحی شمال غرب کشور، موج مهاجرت ایرانیان به آمریکا آغاز شده بود. بخش قابل توجه این مهاجران از آشوریان ارومیه بودند که حتی موفق شده بودند تابعیت آن کشور را نیز به دست آورند (استادوخ، شماره ۱۰۵). بنا به نوشته علیقلی خان، تا سال ۱۳۲۹ق. حدود سه‌هزار ایرانی در آمریکا پراکنده بودند (استادوخ، شماره ۳۵۸). بسیاری از این مهاجران را مردان تشکیل می‌دادند و غالباً در جست‌وجوی کار به آن کشور رفته بودند، اما بدون شک بخش هرچند ناچیزی از این میزان برای ادامه تحصیل به آن کشور رفته بودند و هیچ دلیلی وجود ندارد که حضور شماری -ولو اندک- از دختران را میان آنان محال بدانیم! روی هم رفته باید گفت تا مدت‌ها بعد هم آمار مشخصی از محصلان ایرانی اعم از دختر و پسر در آمریکا وجود ندارد؛ زیرا اعزام دانشجو در انحصار وزارت معارف نبود و بسیاری از دیگر وزارتخانه‌ها به صورت مستقل اقدام به اعزام دانشجو در تخصص‌های مورد نیاز خود به آن کشور کرده بودند (استادوخ، شماره ۱۳). از این رو، از سرگذشت دختران ایرانی در آمریکا جز اشاره‌هایی پراکنده اطلاع چندانی در دست نیست و تنها موردی که محافل آمریکایی به تفصیل مورد توجه قرار داده و از آن نوشته‌اند، «قدیسه اشرف» است که به زبان انگلیسی مسلط شد و در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت زیادی کرد (فریدالملک همدانی، ۱۳۵۴: ۳۸۳). روزنامه واشنگتن تایمز در ۱۵ ژوئن ۱۹۱۱/جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ در تیتیری با عنوان «قدیسه اشرف، جوینده دانش» که خالی از مبالغه هم نبود، نوشت «او بانوی جوان ایرانی است که در اینجا تحصیل می‌کند تا سپس در میهن خود به تدریس بپردازد. قدیسه اشرف اظهار می‌دارد که تنها زن ایرانی در جهان است که از رو بنده استفاده نمی‌کند» (ساعتچیان، ۱۳۹۷: ۱۲۹، ۱۳۱). واشنگتن تایمز در ادامه مقاله خود آورده بود: «پدر او میرزا فضل‌الله خان که مساح و فردی

توانگر است، چه بسا اعتقاد عمیقی به آموزش دارد. هنگامی که مدرسه مبلغین مذهبی آمریکایی گشوده شد، فاصله زیادی تا منزل آنان داشت و به همین خاطر به خانه‌ای در نزدیکی مدرسه نقل مکان کردند» (همان، ۱۲۹، ۱۳۱). بر این اساس، باید اذعان کرد که خانواده قدیسه اشرف همچون برخی دیگر از خانواده‌های ایرانی تحت تأثیر فضای ناشی از تبلیغات مطبوعات قاجاریه و مدارس آمریکایی، فرزند خود را برای تحصیل به آمریکا فرستادند.

این گزارش حاوی چند نکته است. نخست آنکه تنها چند سال پس از انقلاب مشروطه برخی از زنان می‌توانستند برای ادامه تحصیل به آمریکا بروند. دوم، تأثیرپذیری انکارناپذیر قدیسه از مدارس میسیونری است. این گزارش نشان می‌دهد که مدارس میسیونری آمریکایی حلقه ارتباط میان ایران و آمریکا بوده‌اند و شمار کم و بیشی از ایرانیان تحت تأثیر آموزش‌های این مدارس مشتاق مسافرت به آمریکا و تحصیل در آن کشور شده بودند که قدیسه یکی از آنان بود.

قدیسه اشرف در آمریکا صرفاً به تحصیل مشغول نبود، بلکه با حضور در محافل گوناگون آن کشور در نقش نماینده زنان ایران نمایان شد. یکی از این محافل گردهمایی سالانه انجمن ایران و آمریکا بود که علیقلی خان کاردار ایران، ریاست افتخاری این انجمن را برعهده داشت. در این گردهمایی سناتور «برتون» از اوهایو و خانم «یانگ ویت» از انجمن زنان نویسنده آمریکا و «میرزا رفیع» از ایران سخنرانی کردند. قدیسه اشرف نیز در این جمع حضور داشت و به سخنرانی پرداخت و یک آواز ایرانی هم خواند که مورد تشویق حضار قرار گرفته بود و بسیاری از آنان از قدیسه اشرف درخواست کرده بودند برای همیشه در واشنگتن بماند (ساعتچیان، ۱۳۹۷: ۱۳۱، ۱۳۲). در اسناد آن دوره به دیگر جنبه‌های فعالیت قدیسه اشرف اشاره شده است. در یکی از اسناد به حوادث روز قبل از ریاست جمهوری «وودرو ویلسون» در آمریکا اشاره شد که ده‌هزار نفر از فعالان حقوق زنان از سراسر آمریکا به واشنگتن آمده بودند و از کنار عمارت پارلمان تا مقابل عمارت سفید با در دست داشتن پرچم‌هایی راهپیمایی کردند. از طرف زنان ایرانی نیز قدیسه اشرف با لباس ایرانی در صف راهپیمایی حضور داشت و درحالی‌که پرچم شیر و خورشید ایران را در دست گرفته بود، به دلیل چنین صحنه زیبایی مورد تشویق هزاران نفر قرار گرفت (استادوخ، شماره ۲). در هر حال، حضور وی در تظاهرات زنان آمریکا بازتاب زیادی یافت؛ به طوری که وزارت خارجه ایران در واکنش به این گزارش، از سفیر ایران در واشنگتن خواست از آن پس درباره شرکت زنان ایرانی در گردهمایی زنان طرفدار تساوی حقوق در واشنگتن، گزارش‌های بیشتری بدهد و آن وزارتخانه را از اطلاعات مربوط به مبارزات حق‌خواهانه زنان آمریکا بی‌اطلاع نگذارد (استادوخ، شماره ۵). در این سند

وزارت خارجه به صراحت از زنان ایرانی نام برده است که از شمار آنان اطلاعی در دست نیست.

گزارش‌هایی که از اسناد وزارت خارجه درباره فعالیت‌های قدیسه اشرف به جای مانده، نشانگر آن است که این بانوی ایرانی توانست با تأثیرپذیری از آموزش‌های مدارس میسیونری در ایران، به خوبی خود را با شرایط جدید در آمریکا تطبیق دهد و در حوزه‌های مختلف علمی و اجتماعی به فعالیت بپردازد؛ یعنی همان‌گونه که زنان در آمریکا در حوزه‌های نظامی، اجتماعی، فرهنگی و غیره پیشرفت کرده بودند و متفاوت از زنان ایرانی زندگی می‌کردند، قدیسه اشرف نیز به محض ورود به آنجا فعالیت خود را در حوزه‌های مختلف -از شرکت در گردهمایی‌ها تا حضور در تظاهرات‌ها- آغاز کرد.

درباره مهاجرت به آمریکا برای ادامه تحصیل، باید به یک عامل مهم و تأثیرگذار اشاره کرد و آن نقش نمایندگان دیپلماتیک ایران در آن کشور بود. از جمله باید به نقش بسیار مهم علیقلی خان نبیل‌الدوله شارژدافر (کاردار) ایران در آمریکا و همچنین حسین علایی وزیرمختار ایران در آمریکا، در زمینه تسهیل ادامه تحصیل دانشجویان ایرانی اشاره کرد. آنها در گزارش‌های خود به وزارت خارجه، مدارس آمریکایی را از نظر علمی، عملی و اخلاقی از تمام مدارس کشورهای جهان برتر می‌دانستند و خواستار این بودند که مدارس به سبک نظام آموزشی آمریکا در ولایات مختلف ایران تأسیس شود و همچنین شرایط لازم را برای ادامه تحصیل عده‌ای از دختران و پسران ایرانی در آمریکا فراهم کنند (استادوخ، شماره ۱۹). نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا در راستای زمینه‌سازی برای ادامه تحصیل دختران ایرانی در آمریکا، به اقداماتی دست زدند. برای نمونه، حسین علایی از مدرسه دخترانه «Fieldston College» که در واشنگتن احداث شده بود، نام برده است که هیئت رئیسه این مدرسه در نامه‌ای به سفارت ایران وعده داده بودند حاضرند سالانه ۱۵۰ دلار به تحصیل یک دختر ایرانی در آن مدرسه کمک کنند. آنان خاطر نشان کرده بودند که هزینه سالانه تحصیل در این مدرسه ۶۰۰ دلار است، اما حاضرند خود ۱۵۰ دلار آن را تقبل کنند (استادوخ، شماره ۱۶۹). مشخص نیست آیا در نهایت این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت یا نه، اما این گزارش‌ها نشان می‌دهند که تحصیل دختران ایرانی در آمریکا مورد توجه مسئولان و هیئت رئیسه مدارس آمریکایی هم قرار گرفته بود. همچنین این گزارش نشان می‌دهد که دیپلمات‌های ایرانی تعلیم و تربیت دختران و پسران در آمریکا را مورد توجه قرار داده بودند و از هر فرصتی برای جذب دانشجو در آمریکا استفاده می‌کردند. در واقع، چیزی که برای آنها اهمیت داشت این بود که این دختران برای ادامه تحصیل به آمریکا فرستاده شوند و بعد از

پایان تحصیلات به ایران برگردند و منبع تحولی عظیم در جامعه شوند. همه این مطالب نشان می‌دهد که چگونه زندگی برخی از زنان ایرانی دچار تغییر شد. البته بخشی از آگاهان و روشنفکرانی که بر تحول در جایگاه زنان ایرانی تأکید می‌کردند، صرفاً خواستار تغییراتی محدود در وضعیت آنان بودند؛ زیرا جامعه قاجاری یک جامعه سنتی بود که تغییر و تحولات را به سرعت بر نمی‌تافت؛ پس هر تغییری می‌بایست تدریجی ایجاد می‌شد. از این رو، دشواری‌های عمده‌ای پیش روی تحصیل و آموزش زن ایرانی قرار داشت.

نتیجه‌گیری

از آخرین سال‌های قرن نوزدهم میلادی / چهاردهم قمری اخبار مربوط به زنان آمریکایی و تحولات اجتماعی و حقوقی آنان به تفصیل در مطبوعات آن زمان ایران انعکاس پیدا کرد. تصویری که از جایگاه زنان آمریکا در ایران ترسیم شد، علاوه بر آشنایی آحاد جامعه با این موضوع، موجب شده بود اندیشمندان و نویسندگانی که راز عقب‌ماندگی زنان ایرانی را در بی‌بهره‌گی از آموزش‌های نوین می‌دانستند، تحت تأثیر موفقیت و شکوفایی زنان آمریکا، بر لزوم آموزش زنان تأکید کنند. در نتیجه، سیر حضور دختران مسلمان در مدارس آمریکایی افزایش یافت و خانواده‌های ایرانی اقدام به فرستادن دختران خود به این مدارس کردند. میسیونری‌های آمریکایی با ایجاد مدارس و ترویج نظام آموزشی به سبک آمریکا، دختران ایرانی را با زنان آمریکایی و موقعیت آنان آشنا کردند، اما بدون شک آنچه در بُعدی فراگیر و وسیع‌تر وضعیت زنان آمریکا و دستاوردها و جایگاه والای آنان را به ایرانیان شناساند، فعالیت‌های مطبوعات بود. آنها با توصیف دقیق وضعیت جایگاه زنان آمریکا، از هیچ تلاشی برای تشویق دولت و ملت برای الگو قرار دادن نظام آموزشی این کشور و اعزام دانشجویان به آمریکا دریغ نکردند. در نتیجه این تشویق‌ها اولاً تمایل خانواده‌های ایرانی به تحصیل دخترانشان در مدارس میسیونری بیش از پیش افزایش یافت و ثانیاً دولت نیز در این باره به همکاری پرداخت. برای نمونه، نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا تلاش کردند تا آنجا که ممکن است زمینه‌های ادامه تحصیل دختران ایرانی در آمریکا را فراهم کنند. در نتیجه طولی نکشید که موقعیت زن ایرانی که زمانی حق تحصیل و حضور در جامعه را نداشت، تا آنجا دگرگون شود که توانست ضمن اتمام مقاطع تحصیلی در داخل ایران، برای ادامه تحصیلات عازم آمریکا شود.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- اتحادیه، منصوره و بهمن فرمان (۱۳۹۲)، حکایت یک زن در زیر و بزم روزگار؛ زندگینامه عزت‌السلطنه نظام مافی، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ دوم.
- ارفع‌الدوله، میرزا رضاخان (۱۳۷۸)، *خاطرات پرنس ارفع‌الدوله*، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن - شهاب ثاقب، چاپ دوم.
- الدر، جان (۱۳۳۳)، *تاریخ میسیون آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، تهران: انتشارات نورجهان.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: نشر فرزاد.
- *خاطرات تاج السلطنه* (۱۳۶۱)، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- رامتین، حسین (۱۳۴۱)، *آمریکایی‌ها در ایران*، تهران: [بی‌نا].
- رینگر، مونیکا ام. (۱۳۸۱)، *آموزش، دین، گفت‌وگو، اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- ساعتچیان، علیرضا (۱۳۹۷)، *ایرانیان از نگاه آمریکاییان (ایران عهد قاجار در روزنامه‌های آمریکا)*، تهران: انتشارات پارسه.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *آدمها و آئین‌ها در ایران؛ سفرنامه کارلا سرنا*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صحاف‌باشی تهرانی، ابراهیم (۱۳۵۷)، *سفرنامه ابراهیم صحاف‌باشی*، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- فرمانفرمایان، ستاره (۱۳۷۷)، *دختری از ایران*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: نشر کارنگ.
- فریدالملک همدانی، میرزا محمدعلی خان (۱۳۵۴)، *خاطرات فرید*، گردآوری مسعود فرید (قراگزلو)، تهران: انتشارات زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت*، تهران: نشر علمی.
- هدایت، مهدیقلی [بی‌تا]، *سفرنامه تشرف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن، آمریکا، [بی‌جا]*: چاپخانه مجلس.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵)، *زن در دوره قاجار*، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

ب. روزنامه‌ها و مجلات

- روزنامه اختر (۱۳۱۱ق)، سال بیستم، شماره ۱۶.
- _____، شماره ۴۰.
- روزنامه اطلاع (۱۳۲۲ق)، شماره ۱۴، ص ۴.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۰ / ۸۹

- روزنامه ایران نو (۱۳۲۸ق)، سال اول، شماره ۱۳۲، ص ۴.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۳۰ق)، سال نهم، شماره ۵، ص ۱۲.
- _____ (۱۳۳۲ق)، سال یازدهم، شماره ۱۱، صص ۷-۹.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۷ق)، سال هجدهم، شماره ۱۵، صص ۲، ۳.
- _____ (۱۳۱۹ق)، سال نهم، شماره ۱۶، ص ۷.
- روزنامه حکمت (۱۳۱۷ق)، شماره ۱۳، ص ۱۴.
- روزنامه کاوه (۱۳۳۹ق)، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۱، ۲.
- _____ (۱۳۳۸ق)، سال پنجم، شماره ۴ و ۵، صص ۲۷.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق)، شماره ۱۴، ص ۲.
- کتابچه قانون (۱۳۶۹)، شماره ۷، ص ۳.
- مظفری (۱۳۲۳ق)، سال چهارم، شماره ۸، ص ۷.
- روزنامه ناصری (۱۳۱۶ق)، سال ششم، شماره ۷، ص ۷.
- _____، شماره ۱۶، صص ۶، ۷.
- مجله ایران‌شهر (۱۳۴۱ق)، سال اول، شماره ۱۲، ص ۳۷۰.
- مجله بهار (۱۳۲۸ق)، سال اول، شماره ۲، صص ۱۱۰، ۱۱۱.
- مجله علم و تربیت (۱۳۳۹ق)، سال اول، شماره ۱، صص ۲۲، ۲۳.
- _____، شماره ۲، صص ۱-۳.

ج. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷/۱۵۹۷۷.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سند شماره سریال ۱۶-۱۳- پوشه ۳- کارتن ۲۰-۱۳۰۶ق.
- _____، سند شماره ۱۰۵- پوشه ۵- ک ۱۱- ۱۳۲۱ق.
- _____، سند شماره ۳۵۸- پوشه ۱- کارتن ۲۰- ۱۳۲۹ق.
- _____، سند شماره ۱۹- پوشه ۱۴- کارتن ۳۶- ۱۳۲۹ق.
- _____، سند شماره ۱۵۶- پوشه ۲- کارتن ۲۱- ۱۳۳۰ق.
- _____، سند شماره ۱۶۹- پوشه ۲- کارتن ۲۳- ۱۳۰۰ق.
- _____، سند شماره ۲- پوشه ۱- کارتن ۲۰- ۱۳۳۱ق.
- _____، سند شماره ۲- پوشه ۱- کارتن ۲۰- ۱۳۳۱ق.
- _____، سند شماره ۵- پوشه ۱- کارتن ۲۰- ۱۳۳۱ق.
- _____، سند شماره ۳- پوشه ۵- کارتن ۲۰- ۱۳۳۱ق.
- _____، سند شماره ۱۳- پوشه ۱۰- کارتن ۳۰- ۱۳۳۹ق.

List of sources with English handwriting

Books

- Arfa' Al-Dawla, Mīrzā Rezā Kān, (1378), Kāterāte Perans Arfa' Al-Dawla, researched by 'Alī Dehbāšī, Tehrān: Šahāb Tāqeb Bā Hamkāriye Enteshārāt-e Soḡan.
- Behnām, Jamšīd, (1375), Iranians and the Thought of Modernity, Tehrān: Našr-e Forūzān.
- Delrīš, Bošrā, (1375), Woman in the Qajar period, Tehrān: Daftar-e Moṭāle'āt-e Dīniye Honar.
- Elder, John, History of the Iran mission, Translated by Soheil Ādarī, Tehrān: Enteshārāt-e Nūr-e Jahān.
- Etehādīye, Maṣūre, Bahman Farmān, Hekāyat-e yek Zan Dar zīr va Bam-e Rūzegār: Zendeḡināme 'Ezat Al-Saltāne Nezām Māfi, Tehrān, Našre Tarīk-e Irān.
- Farīd al-Molk Hamadāni, Mīrzā Moḥammad 'Alīkān, Kāterāt-e Farīd, compiled by Mas'ūd Farīd (Qarāgozlū), Tehrān, Enteshārāt-e Zavvār.
- Farmānfarmāiyān, Setāreh, A Girl from Iran, translated by Abolfazl Tabātabāi, Tehrān: Našre Kārang.
- Hedāyat, Mahdīqolī, (nd), Safarnāme Tašarrūf be Mecca Mo'azama az ṭarīqe China- Japan, USA, Čāpkāne Majles.
- Kāterāte Tāj Al-Saltāne, researched by Maṣūre Etehādīye, Sīrūs Sa'dvandīyān, Tehrān: Našre Tarīk-e Irān.
- Malekzāde, Mahdī, History of the Constitutional Revolution, Tehrān: Našr-e 'elmī.
- Nāteq, Homā, (1380), Kārnāme Farhangī Farangī dar Irān 1837-1921, Tehrān: Enteshārāt-e Mo'āšer Pažūhān.
- Rāmtīn, Hosseīn, (1341), Americans in Iran, Tehrān: Bīnā.
- Ringer, Monica M, Education, religion, and the discourse of cultural keform in Iran, translated by Mahdī Haqīqatqāh, Tehrān: Enteshārāt-e Qoqnūs.
- Sāatčīyān, 'Alīrezā, (1397), Iranians from the Perspective of Americans (Iran during Qajar in American Newspapers), Tehrān: Enteshārāt-e Pārise.
- Šahāfbāšī, Tehrānī, Ebrāhīm, (1357), Safarnāme Ebrāhīm Šahāfbāšī, Tehrān: Enteshārāt-e Šerkat-e Mo'alefān va Motarjemān-e Irān.
- Serena, Carla, Hommes et choses en Perse, translated by 'Alī 'Ašḡar Sa'īdī, Tehrān: Ketābforūšīye Zavvār.
- Sheil, Mary Leonora, Glimpses of life and manners in Persia, translated by Hosseīn Abutorābīan Tehrān: Našr-e Nū.

Newspaper

- Aqtar, (1311 AH), vol. 8, year 20, No. 16 and 40
- Čehre Namā, (1329 AH), No.12, 8th year, (1330 AH), No. 5, 9th year, (1332 AH), Vol.4, No. 11, 11th year.
- Etele', (1306 AH), No. 220, (1322 AH), No. 14
- Ḥabl al-Matīn, (1311 AH), No.6, No. 10, (1319 AH), No 16, 9th year, (1327 AH), 18th year, No.15.
- Hekmat, (1317 AH), vol. 2, no. 13.
- Iran No, (1328 AH), first year, No.132
- Kāve, (1338 AH), fifth year, No. 5 & 6, (1339 AH), fifth year, No. 12
- Majles, (1329 AH), vol. 5, No. 14.
- Mozaferī, (1323 AH), year 4, No. 8
- Nāšerī, (1316 AH), sixth year, No. 7, fifth year, No. 16
- Ṭorayā, (1318 AH), vol. 2, No. 37, second year, p. 11

Journals

- Bahār, (1328 AH), first year, No.2
- Iranšahr, (1341 AH), first year, No. 12
- Majale 'Elm va Tarbīyat, (1339 AH), first year, No. 1 & 2

Documents

- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1300Š), *Sanad-e 169, Kārtone 36, Pūšeh 2.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1306AH), *Sanad-e 13-16, Kārtone 20, Pūšeh 3.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1321AH), *Sanad-e 105, Kārtone 11, Pūšeh 5.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1329AH) *Sanad-e 358, Kārtone 20, Pūšeh 1.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1329AH), *Sanad-e 19, Kārtone 36, Pūšeh 14.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1330AH), *Sanad-e 156, Kārtone 21, Pūšeh 2.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1331AH), *Sanad-e 2, Kārtone 20, Pūšeh 1.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1331AH), *Sanad-e 5, Kārtone 20, Pūšeh 1.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1331AH), *Sanad-e 3, Kārtone 20, Pūšeh 5.*
- Edāre Asnād va Tārīk-e Dīplomāsī vezārat-e Omūr-e Kāreje, (1339AH), *Sanad-e 13, Kārtone 30, Pūšeh 10.*



**Familiarity of Iranians With the Position of Women in American Society
Through the Press and Missionary Schools in the Qajar Period¹**

Fereshteh jahani²
Alireza Mollayi Tavani³

Received: 2021/2/23
Accepted: 2021/7/1

Abstract

The necessity of change in women's social and individual status, as one of the most critical conditions for getting rid of backwardness and following the path of modernity, had a special place in the thought of the intellectuals of the Qajar era, especially after the constitution. These intellectuals tried to study and introduce the status of American women through various tools, including publications. The authors of the present study tried to examine the process of awareness and knowledge of Iranians about the position of American women and its effects and results with a descriptive-analytical approach and relying on the press and missionary schools of this period. The study's findings indicate that the press of this period, which knew the secret of the backwardness of Iranian women in the lack of education while describing the admirable social status of American women, emphasized the need to educate Iranian women and change their situation. As a result, the process of educating Iranian girls in American schools, which had already begun, expanded to the point where even continuing education in the United States was considered, and Iranian political representatives in the United States facilitated it. As a result, a large number of Iranian girls went to that country.

Keywords: American Woman, Iranian Woman, Qajar, Missionary Schools, Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. DOI: 10.22051/HII.2021.35204.2437

2. PhD Candidate in History of Islamic Iran, Payame Noor University of Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: fereshtejahani65@gmail.com

3. Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: ar.mollaiy@ihsc.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493